info@payamdaily.ir

تخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۵۲
شنبه / ۱۳ / اردیبهشت / ۱۴۰۴
۵ / ذوالقعده / ۱۴۴۶
03 / May / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه مزمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهوه حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۳۲۸۳۸-۲۲۵۳۲۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۲۲۵۲۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

دیدگاه

بریکس پشت دلار را لرزاند

یافزایش تنش‌های تجاری بین چین و آمریکا وضع تعرفه‌های تجاری جدید توسط دونالد ترامپ چندی پیش بود که وزرای خارجه ۲۰ کشور عضو بریکس از جمله ایران در ریودوژانیروی برزیل کاهش هرچه‌بیشتر وابستگی اعضا به دلار را در دستور کار خود قرار دادند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، این امر از آنجایی اهمیت دوچندانی پیدا کرد که این گروه یا نمایندگی نیمی از جمعیت جهان و ۴۰ درصد از تولید ناخالص جهانی، ۳۰ درصد از وسعت کره زمین و تجارت بیش از ۵۰۰ میلیارد دلاری اعضا یا یکدیگر، نقشی محوری در تبادلات اقتصادی جهان ایفا می‌کنند؛ادعای بریکس در زمان تشکیل این گروه نیز عزم جدی بر کاهش نقش دلار در مبادلات تجاری خود و تمرکز بر ارزهای ملی را در دستور کار قرار دادند؛ با این حال به نظر می‌رسد با وضع تعرفه ۱۴۵ درصدی واردات از چین به‌عنوان غول اقتصادی جهان، روند دلارزدایی اعضای بریکس در تبادلات تجاری خود سرعت بیشتری گرفته است. به همین منظور اعضای بریکس سال گذشته از سیستم پرداختی بریکس‌پی، به‌عنوان سنگ‌بنای باقوه‌برای پرداخت‌ها در کشورهای مستقل و موفق رونمایی کردند؛در واقع بریکس‌پی یک سامانه پیام‌رسان برای پرداخت‌های بین‌کشوری است که امکان تجارت با ارزهای محلی را میان اعضای بریکس فراهم می‌سازد. هر چند پیش از این رئیس‌جمهور آمریکا در تهدیدی آشکار اعلام کرد که در صورت تلاش بریکس برای حذف دلار، تعرفه گسترده‌ای علیه آنها اعمال خواهد کرد.

دونالد ترامپ، دراین باره گفت: «کشورهای بریکس می‌خواستند دلار ما را تولید کنند. آنها قصد داشتند یک ارز جدید ایجاد کنند. بنابراین، نخستین حرف من این بود که هر کشوری از بریکس که حتی نفی از نایـدوی دلار ببرد، با تعرفه‌ای ۱۵۰ درصدی مواجه خواهد شد و ما دیگر کالای آنها را نمی‌خواهیم.»همین امر سبب شده که برخی کشورها از جمله هند و برزیل رویکرد محتاطانه‌ای برای کاهش وابستگی به دلار اتخاذ کنند، به‌طوری که در این خصوص، سهیر امانیام جایشانکر، وزیر امور خارجه هند، بارها تأکید کرده که این کشور هرگز حامی حذف دلار نبوده است.وزیر امور خارجه هند ادامه داد: بریکس بستری است که در دو دهه گذشته هم در تعداد اعضا و هم در دستور کار خود رشد داشته است. تلاش ما بر این است که درک جامعه جهانی از فعالیت‌های بریکس را افزایش دهیم. به همین دلیل مسئولان هندی بارها اعلام کردهاند که هیچ اجماعی میان اعضای بریکس برای ایجاد یک ارز واحد وجود ندارد ازسوی دیگر سرگئی ریابکوف، نماینده روسیه در بریکس تأکید کرده که این اینکار به‌معنای کنار گذاشتن دلار نیست، بلکه تلاشی برای مقابله با پیامدهای سیاست‌های آمریکاست. در این بین روس‌ها نیز که بدلیل تحریم‌های گسترده علیه‌شان بعداز جنگ اوکراین بیش از این به طور جدی به دنبال ایجاد ساختار اقتصادی جایگزین دلار و نفل و انتقالات پولی و بانکی در بریکس بودند، اما شاید با رفع تحریم‌ها توسط ترامپ بار دیگر نسبت به دلارزدایی تردید کنندبا این حال اخیراً نیز سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در مصاحبه‌ای اظهار کرد: ما در چارچوب بریکس، تلاش کردیم اطمینان حاصل کنیم که هیچ اختلالی در انجام پرداخت‌ها وجود ندارد و تلاش‌های ما کاملاً مؤثربوده است؛ به‌عنوان مثال، روبل و ارزهای کشورهای دوست مثلا ۹۰درصد از تسویه‌حساب‌های روسیه با کشورهای عضو بریکس در سال ۲۰۲۴ را تشکیل داده‌اند.

دفاع از نظام تجارت چندجانبه

با این حال ماوروسیو لریو، مذاکره‌کننده ارشد برزیلی اعلام کرد که وزرا در حال تدوین بیانیه‌ای هستند که بر محوریت و اهمیت نظام تجارت چندجانبه تأکید داشته و صراحتاً اقدامات یک‌جانبه از هر طرفی را محکوم می‌کند.

براساس اعلام مقامات برزیلی، این گروه قصد دارد جایگاه خود را به‌عنوان مدافع تجارت مبتنی بر قواعد تثبیت کرده و در برابر رویکردهای یک‌جانبه و حمایت‌گرایانه‌ای که تهدیدی برای اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند، ایستادگی کند. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی خود از رشد اقتصاد جهانی در سال جاری را کاهش داده و اعلام کرده که این نرخ به ۲/۸درصد خواهد رسید؛ کاهشی که مستقیماً تحت تأثیر اعمال تعرفه‌های گمرکی و اقدامات تلافی‌جویانه اقتصادی قرار دارد.

تجارت ایران با بریکس

آخرین آمارها از تجارت ایران با بریکس حاکی از آن است که میزان تجارت ایران با این گروه به حدود ۱۰۰ میلیون تن کالا به ارزش حدود ۷۰ میلیارد دلار می‌رسد.چندی پیش علامرضا نوری، وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به اهمیت گروه بریکس گفت: بریکس حدود نیمی از جمعیت جهان و بیش از یک‌سوم اقتصاد جهانی را شامل می‌شود و به‌عنوان پیمانی مهم در برابر یک جانبه‌گرایی برخی کشورها شکل گرفته و به‌خوبی در حال پیشرفت است. کشورهای مختلفی نیز برای عضویت در آن اعلام علاقه‌مندی کردهاند. نوری با بیان این‌که موضوعات مربوط به کشاورزی و امنیت غذایی از محورهای مهم نشست بریکس بود، گفت: حجم مبادلات کشاورزی و غذایی بین اعضای بریکس حدود ۱۶۰ میلیارد دلار است که از این میان، ایران بیش از ۱۲ میلیارد دلار مبادله با اعضای بریکس دارد؛ سهم عمده آن مربوط به برزیل با حدود ۷ میلیارد دلار است. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین مزیت عضویت ایران در بریکس، مقابله با تحریم‌ها باشد؛ از دیگر مزیت‌های عضویت ایران در بریکس می‌توان به تقویت همکاری‌های اقتصادی و مالی، دسترسی به یک توسعه جدید، انعقاد قراردادهای تجاری دو و چندجانبه با کشورهای عضو واستفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری اشاره کرد کارشناسان معتقدند تصمیمات گروه بریکس در شرایطی که سرعت تغییرات و تحولات پولی جهانی به‌سمت بین‌المللی شتاب گرفته است، می‌تواند موجب تقویت اتحادوافزایش کارایی کشورهای عضو بریکس شود و تضمین کند که بریکس همچنان چراغ راه همکاری و پیشرفت در عرصه جهانی است.

گزارش روز

در انتظار بلند شدن دود سفید از عمان

شاید دود بعد دو دود سفید انتخاب پاپ و مذاکرات ایران و آمریکا که اول سختی راه است بطور همزمان متصاعد بشود؟ گویا اختلافات کم و به اندازه یک خیز آموستا یک هفته پر کار در پایتخت‌ها در پیش است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آرمان امروز، بی‌اعتمادی ناشی از عدم توازن هستای در خاورمیانه همواره باعث دغدغه کشورها و سایه سنگینی بر تصمیم‌گیری‌هایشان دارد؛ در مذاکرات پیش‌رو ایران باید به دنبال تضمین‌هایی باشد که این عدم توازن را از منظر امنیتی و سیاسی برای خود رفع کند.

در جلسه سوم شاهد اتفاقات متفاوتی بودیم. با این وجود تویت وزیر خارجه عمان امیدوار کننده بود و ظاهرا جلسه سوم بد نبوده است و دغدغه‌های سیاسی و فنی بین دو طرف تبادل شده است. شاید دود بعد دو دود سفید انتخاب پاپ و مذاکرات ایران و آمریکا که اول سختی راه است بطور همزمان متصاعد بشود؟ گویا اختلافات کم و به اندازه یک خیز آموستا یک هفته پر کار در پایتخت‌ها در پیش است.

باید توجه داشت که مذاکرات ایران و آمریکا کلیوس نتایج‌اوم است و این هذیان‌ها برای تحریک ایران است این تهدیدات نشان می‌دهد راهبران برای تقویت بازدارندگی تسلیحاتی خود درست و ایران نباید از هیچ بخشی از برنامه هسته‌ای خود چشم‌پوشی کند.

اولویت منطقه، خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای با همکاری کشورها است و باید در این مسیر گام برداشت. این نکته حائزاهمیت است که خروجی جلسات کارشناسی هیچ‌گاه به‌طور مستقیم جنبه اجرایی و عملیاتی پیدا نمی‌کند. کارشناسان صرفا مجموعه‌ای از توصیه‌ها و جمع‌بندی‌ها را ارایه می‌کنند؛ اینکه در کدام موارد به تفاهم رسیده‌اند و در چه موضوعاتی همچنان اختلاف‌نظر وجود دارد. درنهایت این مسوولیت برعهده هیات‌های عالیرتبه و تصمیم‌گیرندگان سیاسی است که درباره مسیر پیش‌رو و چگونگی عبور از این اختلافات تصمیم‌گیری کنند. در واقع، آنچه در این مرحله تعیین‌کننده خواهد بود، «اراده سیاسی» دو طرف است و اینکه تا چه میزان تمایل به انعطاف و واقع‌بینی در مواجهه با اختلافات از خود نشان دهند. بی‌تردید اگر چنین اراده‌ای همراه با انعطاف حداکثری در هر دو سوی میز مذاکره وجود داشته باشد، این اختلافات می‌تواند مدیریت و حل وفصل شود. در غیر این صورت احتمال گرفتار شدن دوباره مذاکرات در چرخه‌ای پیچیده و بن‌بست‌های تازه دور از انتظار نخواهد بود.

نصرت‌الله تاجیک

برش

پرچم آمریکا هنوز روی ماه است؟

چندین دهه قبل؛ آرمسترانگ و بز آلدرین روی سطح ماه فرود آمدند و پرچم آمریکا را در خاک ماه گذاشتند. آیا این پرچم هنوز هم همان جاست و می‌توان آن را دید؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از گجت نیوز، در تاریخ ۲۰ جولای ۱۹۶۹، یکی از به‌یادماندنی‌ترین روزها در تاریخ آمریکا و البته بشریت رقم خورد. در جریان مأموریت آپولو ۱۱، فضانوردان نیل آرمسترانگ و باز آلدرین با فناوری فوق‌العاده پیشرفته زمان خود، روی سطح ماه فرود آمدند و قدم بر خاک آن گذاشتند.

بخشی از این سفر، نصب پرچم آمریکا بر سطح ماه بود که به نمادی مقدگار از نانا و بزرگترین دستاوردهای آن تبدیل شد. اما از آن زمان تاکنون، بیش از ۵۰ سال می‌گذرد. سوال اینجاست که آیا پرچم آمریکا هنوز روی ماه است؟

سرنوشت پرچم آمریکا در ماه چه شد؟

ماه به طرز مرموزی در حال زنگ زدن است و احتمالا پرچم آپولو ۱۱ وضعیت ایستاده‌ای روی سطح آن ندارد. گزارش‌ها حاکی از آن است که این پرچم در زمان خروج فضاپیمای آلدرین و آرمسترانگ احتمالا بر اثر برخورد سرنگون شده است. قرار گرفتن این پرچم روی سطح ماه و تابش مداوم اشعه فرابنفش خورشید برای بیش از نیم قرن نیز به احتمال زیاد باعث تخریب تقریبا کامل آن شده است در بهترین حالت، رنگ آن کاملا پریده است یا توجه به این شرایط، دیدن این پرچم، حتی با قوی‌ترین تلسکوپ‌ها نیز بعید به نظر می‌رسد.

فراتر از آپولو ۱۱: پرچم‌های دیگری که بر ماه نشستند

با وجود اینکه عمر پرچم آپولو ۱۱ روی ماه به پایان رسیده این تنها پرچمی نبود که در ماه نشان آمریکا را برافراشت. در دهه‌های پس از آن، پرچم‌های دیگری نیز در مأموریت‌های بعدی آپولو کاشته شدند که شرایط به مراتب بهتری نسبت به پرچم اول دارند.

بسیاری از پرچم‌های پس از آپولو ۱۱ سالم‌تر مانده‌اند. فضانوردان مأموریت آپولو ۱۲ در ۱۹ نوامبر ۱۹۶۹ دومین پرچم آمریکا را بر ماه نصب کردند که گفته می‌شود هنوز پابرجاست. در ۵ فوریه ۱۹۷۱، آلن شپارد و ادگار میچل نیز پرچم خود را در مأموریت آپولو ۱۴ کاشتند که متأسفانه به نظر نمی‌رسد در برابر گذر زمان مقاومت کرده باشد. وضعیت مشابهی احتمالا برای پرچم آپولو ۱۵ که در ۲۶ جولای ۱۹۷۱ نصب شد نیز وجود دارد.

اما پرچم‌های مأموریت‌های آپولو ۱۶ (۲۰ آوریل ۱۹۷۲) و آپولو ۱۷ (۱۱ دسامبر ۱۹۷۲)، آخرین پرچم کاشته شده در برنامه آپولو، همچنان استوار هستند یا این حال، نکته مهم اینجاست که حتی با وجود ایستاده ماندن برخی از این پرچم‌ها به دلیل فاصله بسیار زیاد کره ماه از زمین و ابعاد کوچک پرچم‌ها دیدن آنها از کره زمین، حتی با پیشرفته‌ترین تلسکوپ‌های آماتوری نیز امکان‌پذیر نیست.

آیا آنها آمریکا در ماه پرچم کاشته است؟

ایالات متحده فرصت کاشت پرچم در ماه را از دست نداد اما جالب اینست بدانید که یک کشور دیگر نیز توانسته است این کار را انجام دهد. در طول رقابت فضایی و دهه‌های پس از آن، برنامه‌های فضایی چندین کشور به ماه رسیدند. اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۵۹ (یعنی یک دهه پیش از آپولو ۱۱) به ماه رسید و چین نیز برای اولین بار در سال ۲۰۱۳ این موفقیت را کسب کرد اخیرا نیز فضاپیمای چاندران-۳ هند در ۲۳ آگوست ۲۰۲۳ بر سطح ماه فرود آمد. در حال حاضر، این چهار کشور تنها ملت‌هایی هستند که به ماه رسیده‌اند و فقط دو کشور موفق به کاشت پرچم بر این جرم آسمانی شده‌اند.

همانطور که گفته شد آمریکا پرچم‌های متعددی در ماه کاشته است. این دستاوری است که تنها چین می‌تواند ادعا کند با موفقیت انجام داده است. چین این نقطه عطف تاریخی را در ۳ دسامبر ۲۰۲۰ با فرودگر قمری چانگ‌ای ۵ به دست آورد. پرچم چین یک پرچم معمولی نیست و به طور خاص طراحی شده تا در برابر شرایط سخت ماه مقاومت کند. این پرچم می‌تواند اختلاف دمای حدود ۱۵۰ درجه سلتی‌گراد را تحمل کند؛ بنابراین، امید است که بیشتر از برخی پرچم‌های قبلی کاشته شده در ماه دوام بیاورد.

سفر فضایی یکی از بزرگترین دستاوردهای بشریت است. اینکه پتون نمادی از تمدن ما، مانند پرچم، را بیندازد یا خیر از خانه ببرا کرد؛ (هرچند باتایج متفاوتی در طول زمان) واقعا قابل توجه است. شاید روزی بتوانیم قدمی فراتر گذاشته و حتی در ماه غذا پرورش دهیم.

اشاره

چگونه فیلم‌ساز محبوب هیتلر سال‌ها به همه دروغ گفت؟

لنی ریفنشتال فیلم‌ساز مشهور، نزدیک به یک دهه از نزدیکترین افراد به هیتلر و گوبلز به حساب می‌آمد

به گزارش پیام آشنا به نقل از شرق، لنی ریفنشتال فیلم‌ساز مشهور، نزدیک به یک دهه از نزدیکترین افراد به هیتلر و گوبلز به حساب می‌آمد. پس از جنگ او خود را هنرمندی بی‌خبر از سیاست معرفی کرد. سال‌ها ساکت ماند و در نهایت در صد سالگی، مقابل دوربین یک تلویزیون آلمانی نشست و از خود چهره زنی شگفت‌انگیز را به نمایش گذاشت. ۲۲ سال پس از درگذشت ریفنشتال، خالق برخی از مهم‌ترین تصاویر از آلمان نازی اکنون به سراغ پرونده او رفته و نشان داده است که او چطور در گریز از عدالت خوش شانس بوده و چگونه شش دهه چهره واقعی خود را پنهان کرده است. اینجا افشاگری گاردین در مورد یکی از بزرگ‌ترین فیلم‌سازان تاریخ را بخوانید.

لنی ریفنشتال چندین موفقیت در جشنواره فیلم ونیز به دست آورد. در سال ۱۹۳۲، که نخستین سال برگزاری این جشنواره بود، درام کوهستانی اسرارآمیز او با عنوان نور آبی به بخش انتخاب رسمی راه پیدا کرد. در سال ۱۹۳۴، او برای پیروزی اراده که روایتی از کنگره حزب نازی در نورنبرگ بود، مدال طلا دریافت کرد. در سال ۱۹۳۸، ده هفته پیش از واقعه کریستال ناخت، ریفنشتال با فیلم المپیا، مستندی دو قسمتی درباره بازی‌های المپیک تابستانی برلین که به سفارش و با سرمایه‌گذاری نازی‌ها و تحت نظارت وزارت تبلیغات و روشنگری رایش و در روز تولد آدولف هیتلر منتشر شد، جایزه بهترین فیلم خارجی را از آن خود کرد.

پس از جنگ، و تا روزی که در سال ۲۰۰۳ در سن ۱۰۱ سالگی درگذشت، ریفنشتال همواره اصرار داشت که فیلم‌هایش صرفا درباره هنر بوده‌اند. در طول دهه‌های پس از جنگ این فیلم‌ساز خود را به عنوان یک زیبایی‌شناس غیرسیاسی معرفی می‌کرد. او ادعا می‌کرد که هیچ علاقه‌ای به مسائل دنیای واقعی نداشته است و انگیزه‌اش تنها زیبایی، فرصت‌های خلاقانه و رسیدن به کمال هنری بود. با آنکه هرگز شیفتگی شخصی‌اش به هیتلر را انکار نکرد، شدیدا هرگونه همدستی با جنایت‌های نازی‌ها را رد می‌کرد. او در سال ۱۹۶۵ به مجله کایه دو سینما گفت که فیلم‌های المپیا و پیروزی اراده به هیچ وجه جهت‌دار نبوده و بلکه تنها روایتی از تاریخ بوده‌اند.

در ماه آگوست سال گذشته، لنی ریفنشتال به جشنواره ونیز بازگشت. اما این بار به عنوان سوژه مستند جدیدی به نام ریفنشتال ساخته آندرس وایل. این مستند نشان می‌دهد که چگونه تاریخ در دستان او دستکاری شد. این فیلم که با دسترسی انحصاری به اموال شخصی ریفنشتال ساخته شده، کاوش می‌کند که چگونه استعداد بزرگ او در صحنه‌آرایی و تصویرسازی نه تنها به تجلیل سینمایی از نازیسم منجر شد، بلکه به یک کمپین شخصی برای تبرئه خودش هم گسترش پیدا کرد. کمپینی چنان متقاعدکننده که میک جگر، مدونا و کوئنتین تارانتینو همگی با اشتیاق از هنر ریفنشتال حمایت کردند.

وایل به همراه تهیه‌کنندهاش و روزنامه‌نگاری با نام ساندرا مایشبرگر، با این احتمال که استاد به‌جادوگر از ریفنشتال ممکن است حقایقی را که او در طول زندگی‌اش با مهارت پنهان کرده بود، آشکار کند، کار خود را آغاز کردند. اولین چالش، حجم عظیم اموال او بود که شامل بیش از ۷۰۰ جعبه حاوی حلقه‌های فیلم، بریده‌های روزنامه، نامه‌ها، دفترچه‌های خاطرات، ویدئوهای خانگی، چندین پیش‌نویس از خاطرات ریفنشتال، صدها ساعت مکالمات تلفنی ضبط‌شده و صدها هزار عکس بود.

طی شش سال، وایل، مایشبرگر و تیمی از پژوهشگران این اسناد را برای یافتن هر چیزی که ممکن بود با روایت عمومی ریفنشتال تناقض داشته باشد، بررسی کردند. در شش ماه اول، هیچ پیشرفتی حاصل نشد. وایل این تجربه را «مثل یک موعظه» توصیف می‌کند: فقط صحابه پشت صحابه و همیشه همان سؤال‌ها. همیشه همان جوابها: من فقط یک هنرمند بودم، به سیاست علاقه‌ای نداشتم.

به نظر می‌رسید ریفنشتال، به‌عنوان یک ویراستار حرفه‌ای، ارائه پس از مرگ خود را به کمال رسانده بود. اما به‌تدریج، شکاف‌هایی در میان پوشه‌ها و فایل‌ها ظاهر شد. یادداشتی دستنویس در تقویمی به «رأی به آن‌بی‌دی» اشاره داشت. این نام به یک حزب نئونازی پس از جنگ اشاره دارد. مکالمات تلفنی خصوصی ضبط شده از حسرت او نسبت به شرافت و فضیلت سال‌های نازی پرده برداشتند. بخشی از مصاحبه‌ای در سال ۱۹۳۳ که ریفنشتال به روزنامه دیلی اکسپرس داده بود، گم شده بود. اما وقتی در آرشیو خود روزنامه پیدا شد، او توصیف می‌کرد که چگونه کتاب من مبارز مایین کمپف تأثیر «عظیمی» بر او گذاشته و صفحه اول آن او را به یک ناسیونال‌سوسیالیست تبدیل کرده بود.

همچنین نامه‌های خصوصی‌ای وجود داشت که روایت‌های جدیدی از دوره فعالیت ریفنشتال به‌عنوان گزارشگر جنگی در لهستان نشان داد. طبق این اسناد او شاهدی بر یکی از اولین قتل‌عام‌های یهودیان در کونشکه در سپتامبر ۱۹۳۹ بوده است. خود ریفنشتال ادعا کرده بود که در این قتل‌عام تیراندازی را ندیده و بعدها گفت که تیراندازی را دیده اما وحشت‌زده شد. اما نامه‌های موجود داستانی پیچیده‌تر را نشان می‌دهند. در واقع، یک نامه، با اشاره به گزارش ارتش از قتل‌عام، نشان می‌دهد که دستورات کارگردانی ریفنشتال برای خارج کردن یهودیان از میدان بازاری که در آن فیلم‌برداری می‌کرد ممکن است حتی محرک تیراندازی بوده باشد. نامه می‌گوید درخواست او توسط یک ژنرال به ارتش نازی به‌صورت خشن به یهودیان را بیرون کند تبدیل شد.

وایل درباره اکتشافاتش می‌گوید: در ابتدا، من کارآگاه بودم و به دنبال گناه او می‌گشتم. بعدا متوجه شدم که او خودش این کار را انجام می‌دهد. در جریان ساخت مستند ریفنشتال، آندرس وایل و ساندرا مایشبرگر به طور موازی شاهد احیای تصاویر این فیلم‌ساز و ایدئولوژی همراه آن بودند. از مشت بلندشده دونالد ترامپ گرفته تا بدن‌های سازمان‌یافته رژه‌های نظامی مسکو، فضای رسانه‌ای به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر کوئوگرافی، موتیف‌ها و دیدگاه‌هایی قرار گرفته بود که مشخصه پیروزی اراده هستند. این مستند به کسانی در جامعه سینمایی — و فراتر از آن — که از ریفنشتال به عنوان یک «هنرمند ناب» دفاع می‌کنند یا به تحسین فرمال تصاویر او می‌پردازند، تأکید می‌کند که به قول مایشبرگر، هیچ‌بی‌گناهی در استفاده از این زیبایی‌شناسی وجود ندارد.

ادعای ریفنشتال در مستندی در سال ۱۹۹۳ مبنی بر اینکه پیروزی اراده هیچ هدف یا انگیزه سیاسی دیگری جز صلح و کار نداشت و هیچ اشاره‌ای به نظریه نژادی» در آن نیست به سرعت با نامه‌های زاویه پایین او از یولیوس اشترایخر، مبلغ نازی، که با صدای بلند اعلام می‌کند ملتی که خلوص نژادی‌اش را گرامی ندارد، نابود خواهد شد، دنبال می‌شود.

هرچه تیم پژوهشگر مصاحبه‌های آرشیوی بیشتری از ریفنشتال بررسی کرد، این فیلم‌ساز بیشتر استراتژی‌های خود برای بازسازی وجهه‌اش پس از جنگ را آشکار کرد. او که پیش از کارگردانی بازیگر بود، به گفته وایل، تمام ابزارهایش به عنوان یک هنرمند را به کار گرفت تا اذهان را از ولیستگی ایدئولوژیکش به نازیسم منحرف کند در طول مستند ما با فیلم‌سازی فریبنده روبه‌رو می‌شویم. ریفنشتال در مصاحبه‌های به زبان انگلیسی، نقش یک نژادگار سادولوح را بازی می‌کند وقتی از او درباره آگاهی‌اش از تبعیدها پرسیده می‌شود، می‌پرسد: ناپدید شدن یعنی چه؟

این کارگردان، که روان‌شناسی خوانده بود، با اسناد مربوط به کودکی ریفنشتال دست‌ونپنجه نرم کرد.

در پیش‌نویس‌های خاطرات یافته‌شده در آرشیو ریفنشتال از تربیتی خشن سخن گفته شد. کودکی پر از کتک‌های وحشتناک و اغلب شنیدن اینکه حیف که پسر به دنیا نیامده است. او خاطراتی تعیین‌کننده از پنج‌سالگی‌اش را به یاد آورد، زمانی که او را به دریاچه‌ای انداختند و گذاشتند خودش راه شنا کردن را پیدا کند. از آنجا که این داستان‌ها به نسخه منتشرشده خاطراتش راه پیدا نکردند، وایل معتقد است که این‌ها حقایق نادراست کننده‌ای هستند که می‌توانند رابطه زمینه‌ساز رابطه ریفنشتال با نازی‌ها باشند.

این تجربه‌ها به حرفه اولیه بازیگری ریفنشتال در دهه ۱۹۲۰ منتقل شد. جایی که او در چندین فیلم به اصطلاح کوهستانی به کارگردانی ارنولد فانک بازی کرد. در این حماسه‌های آلپی که کوه مقدس و جهان سفید پیتز پالو از شناخته‌شده‌ترین آن‌ها هستند، ریفنشتال مصمم بود تمام دلدلکی‌هایش را خودش انجام دهد. اغلب به‌عنوان تنها زن در صحنه فیلمبرداری، او بدون طناب ایمنی از یخچال‌های طبیعی بالا می‌رفت، صخره‌های عمودی را با پای برهنه طی می‌کرد، در آب یخ‌زده غوطه‌ور می‌شد و در یک صحنه‌سازی بهمن تقریباً خفه شد.

وایل ارتباط مستقیمی بین این تجربیات کودکی و نقش‌های اولیه بازیگری با کارهای ریفنشتال برای رایش سوم می‌بیند. او می‌گوید: این نوعی وابستگی طولانی‌مدت بود. این تصادفی نبود که هیتلر از او خواست این فیلم‌ها را بسازد. او این دیدگاه دوگانه درباره بشریت داشت که شامل تجلیل از افراد قوی و سالم، محکوم کردن به اصطلاح کثیف‌ها، بیماران یا افراد ضعیف می‌شد.

هوا

چو یار دور چه سود ار بهار نزدیک است
جدا ز صحبت او گل به خار نزدیک است

جامی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۳۶	۰۵:۱۰	۱۲:۰۲	۱۸:۵۵	۱۹:۱۵

برگه

اگر دشمنانی در زندگی دارید، خیلی خوب است؛ این نشان می‌دهد در زندگی گاهی بر سر مسائلی ایستاده‌اید...

وینستون چرچیل

این شهرها آلوده‌ترین هوای جهان را داشتند؟

آلودگی هوا یکی از اصلی‌ترین دلایل مرگ و میر در جهان است؛ بر اساس آمار موجود، ۱۰ شهر عنوان آلوده‌ترین شهرهای جهان را در سال‌های ۲۰۲۳ - ۲۰۲۴ به خود اختصاص دادند

مکث

قدرت انفجاری حادثه بندر شهید رجایی چقدر بود؟

یکی از ابزارهای تخمین قدرت یک انفجار از موج شکستن شیشه‌ها از کانون حادثه تافواصل مشخص است. در حادثه بندرعباس شیشه‌ها تا شعاع ۳ تا ۵ کیلومتری شکسته شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک، حادثه تلخ انفجار در بندر شهید رجایی که در روز ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ رخ داد، یکی از مرگ‌بارترین حوادث صنعتی ایران در سال‌های اخیر را رقم زد.این انفجار که تا لحظه نگارش این گزارش ۶۵ کشته و بیش از ۱۰۰۰ مصدوم بر جای گذاشته، خسارات گسترده‌ای به زیرساخت‌های بندری و مناطق اطراف وارد کرده است.

بعد از گذشت سه روز از حادثه و فروکش کردن آتش و دود و با توجه به تصاویر و فیلم‌ها می‌توان تخمین جدیدی از قدرت انفجاری این حادثه داشت.بر اساس تحلیل تصاویر و ویدئوهای منتشرشده، انفجار در محوطه کانتینری بندر رخ داده و به تخریب کامل ساختمان‌های اداری، مچاله شدن خودروها، و شکستن شیشه‌ها در شعاع ۳ تا ۵ کیلومتری منجر شده است.

گفتنی است بندر شهید رجایی در فاصله ۲۳ کیلومتری غرب بندرعباس مرکز استان هرمزگان واقع شده است.

با بررسی شواهد، قدرت انفجاری این حادثه با انفجار بندر بیروت در سال ۲۰۲۰ قابل مقایسه است. برای درک بهتر شدت انفجار می توان قدرت انفجار ۴۰ تن TNT —معادل یک بمب بزرگ—را با این شواهد مقایسه کرد، چهل تن TNT قادر به تخریب چند صد متری است. برای درک بهتر شدت انفجار می توان قدرت انفجار ۴۰ تن TNT —معادل یک بمب بزرگ—را با این شواهد مقایسه کرد، چهل تن TNT قادر به تخریب چند صد متری است.

تین‌تی‌ان‌تی (TNT) به عنوان یک معیار استاندارد برای سنجش قدرت انفجاری استفاده می‌شود. یک تن TNT معادل انرژی آزاد شده از انفجار ۱۰۰۰ کیلوگرم از این ماده منفجره است که تقریباً ۴.۱۸۴ گیگاژول انرژی تولید می‌کند.

انفجار ۴۰ تن TNT بنابراین انرژی معادل ۱۶۷.۳۶ گیگاژول آزاد می‌کند. این سطح از انفجار می‌تواند خسارات قابل توجهی در شعاع وسیعی ایجاد کند، از جمله تخریب ساختمان‌ها، شکستن شیشه‌ها در فاصله چند کیلومتری، و ایجاد موج ضربه‌ای قوی که به انسان‌ها و زیرساخت‌ها آسیب می‌رساند.

ویژگی‌های انفجار ۴۰ تن TNT : موج انفجار با سرعت مافوق صوت منتشر می‌شود و می‌تواند سازه‌های بتنی را در شعاع چند صد متری تخریب کند. شعاع تخریب این انفجار بسته به محیط (شهری یا باز)، تخریب کامل در شعاع ۵۰ تا ۱۰۰ متری و خسارات متوسط تا شدید تا ۲۰۰-۵۰۰ متری تخمین زده می‌شود. شیشه‌ها هک ممکن است در فاصله ۱ تا ۲ کیلومتری بشکنند. گرمای ناشی از انفجار می‌تواند باعث آتش‌سوزی در شعاع نزدیک شود. صدای انفجار تا چندین کیلومتر شنیده می‌شود و می‌تواند باعث آسیب به گوش در نزدیکی محل انفجار شود.

مثال‌های مقایسه‌ای:

انفجار ۴۰ تن TNT تقریباً معادل انفجار یک موشک کروز مدرن یا یک بمب بزرگ هدایت‌شونده است. برای مقایسه، انفجار بندر بیروت در سال ۲۰۲۰ تخمین زده شد که معادل ۱۰۰۰ تن TNT بود، یعنی حدود ۲۵ تا ۲۷ برابر قوی‌تر از ۴۰ تن TNT. با این حال، ۴۰ تن TNT همچنان می‌تواند خسارات محلی قابل توجهی ایجاد کند، مانند تخریب یک مجتمع صنعتی یا بخشی از یک بندر.

تخمین قدرت انفجاری حادثه بندرعباس

تصاویر نشان‌دهنده تخریب کامل یک ساختمان اداری و خسارت شدید به خودروها و زیرساخت‌ها در محوطه بندر است. این سطح از تخریب معمولاً با انفجار چند صد تن TNT مرتبط است. گزارش‌ها حاکی از شکستن شیشه‌ها تا شعاع ۳ تا ۵ کیلومتری است.

بر اساس مدل‌های انفجاری، شکستن شیشه در ۳ کیلومتری نشان‌دهنده انفجاری معادل ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن TNT و در ۵ کیلومتری معادل ۱۰۰۰ تن TNT یا بیشتر است.

با این اوصاف و با توجه به موج شکستگی شیشه‌ها، قدرت انفجار بندر عباس بین حداقل ۲۰۰ تا ۸۰۰ تن TNT و در احتمال بدبینانه تا هزار تن TNT در نظر گرفته می شود.هرچند که آمار رسمی و تخصصی توسط مقامات مسئول و هیات های تحقیق رسمی اعلام خواهد شد.